

مشارکت امنیتی و انتظام‌مشارکتی بررسی تجارب و زمینه‌های مشارکت مردمی در تأمین نظم و امنیت (با تأکید بر ایران)^۱

دکتر موسی عنبری^۲

علی‌اصغر فیروزجائیان^۳

تاریخ وصول: ۸۸/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۰

چکیده

در سال‌های اخیر اهتمام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به مقوله مشارکت مردمی در امنیت افزایش یافته است. بی‌گمان برای استمرار و توفیق طرح‌ها و مأموریت‌های این نهاد، به همیاری و مشارکت شهروندان نیاز است.

در حوزه نظم و امنیت، طرح‌های مشارکتی به دنبال آفریدن فرصت‌های بیشتر دخالت مردم در نظم و امنیت و افزایش اعتماد متقابل میان پلیس و مردم است. در کشورهای مختلف دنیا (از جمله ژاپن، هلند و انگلیس) طرح‌های متعددی با این هدف به اجرا درآمده است که در جهت مقصود خود توفیق داشته‌اند. این کشورها در تبدیل پلیس از سازمانی متمرکز، دولتی و سیاست‌گرا به نیرویی مشارکت‌جو، اجتماع‌محور و فرهنگ‌گرا، دستاوردهای قابل‌ذکری داشته‌اند. جامعه ایرانی نیز اگرچه با مشکلات فرهنگی و سیاسی در این زمینه روبه‌رو بوده است، اما در گذار از مرحله انتظام تخصصی به انتظام مشارکتی موفقیت‌هایی کسب کرده است؛ طرح‌های پلیس (نگهبان) محله، همیار پلیس، خدمات مراقبتی و حفاظتی از شواهد آن بوده است. برون‌سپاری برخی از خدمات مانند (پلیس+۱۰) صدور گواهی‌نامه، گذرنامه، نظام وظیفه از دیگر مصادیق اهتمام نیروی انتظامی به تعامل بیشتر و نزدیکتر با مردم است. در عین حال، برخی از مسائل ساختاری و سازمانی پلیس،

۱- این مقاله به سفارش و حمایت پژوهشکده امنیتی- انتظامی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا به رشته تحریر درآمده است.

۲- عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۳- مدرس دانشگاه مازندران



ضعف فرهنگ مشارکت انتظامی، قلت طرح‌های اعتمادسازی متقابل میان مردم و نیروی انتظامی، از جمله موانع گسترش مشارکت انتظامی در جامعه ایرانی است. مقاله حاضر بر امکان و ضرورت مشارکت امنیتی و انتظام مشارکتی تمرکز دارد. مقاله با تشریح فضای مفهومی دو عبارت «مشارکت» و «امنیت» آغاز و تلاش می‌شود از ترکیب این مقولات، مفهوم ثالثی تحت عنوان «مشارکت امنیتی» و «انتظام مشارکتی» یا غیره ابتکار شود. در اثنای بحث ضمن بررسی اهمیت و تاریخچه موضوع مشارکت امنیتی و انتظامی در جهان و ایران، بر زمینه‌ها و راهکارهای جلب مشارکت مردم در امنیت تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی: نظم، امنیت، مشارکت، مشارکت امنیتی، انتظام مشارکتی، انتظام محلی.

مقدمه

دو خطر بنیادین انسان را از تولد تا مرگ همراهی می‌کند که در قرآن کریم نیز به آن‌ها اشاره شده است: «جوع» و «خوف». گاهی تحول و توسعه زندگی انسان را نیز می‌توان بر پایه تغییرات یا سیاست‌های اجتماعی مربوط به این دو مقوله تحلیل کرد. اگر بخواهیم این دو تعبیر را در نگاهی وسیع و امروزی به کار ببریم، می‌توانیم اقتصاد و معیشت را معادل تعبیر اول و امنیت را معادل مقوله دوم استفاده کنیم. این دو موضوع دو نیاز بنیادین بشر در طول تاریخ بوده‌اند که همواره از روش‌های گوناگونی برای تأمین آن‌ها استفاده کرده است. امروزه با تغییر شرایط، مقوله امنیت جایگاه و منزلتی چند جانبه در زندگی انسان و سپس برنامه‌ریزی کشورها یافته است. در گذشته امنیت با بقای جان تعریف می‌شد؛ جامعه ایمن جامعه‌ای بود که از هجوم اقوام یا عناصر مهاجم در امان بود. در این فضا، امنیت مقوله‌ای نظامی و خشن بود که مانند اقتصاد به مهم‌ترین نیاز انسان یعنی بقا می‌انديشید. در واقع امنیت روی دیگر سکه ترس، رعب و پیکار بود. اما در جامعه امروزی، امنیت معنای دیگری یافته است و از خوف و وحشت فراتر رفته و به نیازی فرهنگی و مدنی تبدیل شده است. امنیت دیگر بسان فرصت تحولات اجتماعی تلقی می‌شود. اهمیت کارکردها و



فرصت‌های حاصل شده از امنیت سبب شده است که حول این موضوع نهادهایی تشکیل شود که سازمان پلیس در کانون همه قرار دارد.

در شاخص‌های جهانی مربوط به کیفیت زندگی، امنیت یکی از مؤلفه‌های تعیین کننده و مؤثر به حساب می‌آید. از نظر تعریف، کشورهای با کیفیت بالای زندگی، از امنیت بالا برخوردارند. برخی از کشورهای در حال توسعه از ناامنی در بسیاری از حوزه‌های زندگی رنج می‌برند. برای مثال در بخش اقتصاد، سرمایه گذاران در مناطقی که امنیت کافی ندارند سرمایه گذاری نمی‌کنند؛ یا در کشورهایی که دائماً درگیر جنگ‌های داخلی است سرمایه گذاری اقتصادی نیز در حداقل خود باقی می‌ماند.

در آخرین شاخص‌های بین‌المللی مربوط به کیفیت زندگی، ایران به دلیل برخورداری از مخاطرات بالای زیست محیطی، کاهش امنیت استراتژیک (در اثر چالش‌های مربوط به انرژی هسته‌ای)، منزلت پایین داشته است. کشور ایران از نظر شاخص‌های مربوط به سطح زندگی، اقتصاد و امور زیربنایی یکی از کشورهای با موفقیت متوسط به حساب می‌آید. شاخص‌های فرهنگ، فراغت و بهداشت در ایران نمره‌های به مراتب بهتری از کشورهای دیگر دارد. آنچه باعث شده است که ایران به مرتبه پایین‌تر تنزل پیدا کند، نمره‌های پایین کشور در شاخص‌های «آزادی»، «ریسک‌های محیطی و اقلیمی» و «امنیت» است. ظاهراً متغیر تبیین کننده قابل توجه در رتبه‌بندی و جایگاه ایران، امنیت و ریسک است.^۱

واقعیت این است که این ارقام و رتبه‌بندی جهانی اگرچه فراتر از انتقاد نیستند، اما ضرورت توجه بیشتر به امنیت اجتماعی و اقتصادی در کشور را گوشزد می‌کند.

به هر حال به دلیل این مقوله، برنامه‌های مربوط به آن در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، ملی و اجتماعی در دستور کار دولت‌ها قرار دارد. این مقاله نیز با تأکید بر امر مشارکت مردمی در نظم و امنیت جامعه، در صدد است با مراجعه به آثار موجود به سئوالات زیر پاسخ گوید:

۱- برای کسب اطلاع بیشتر در این زمینه ر. ک:

WWW.Quality-of-Life index/ The Economist Intelligence Unit/ The World in 2005
International Living. Com/ www. Quality-of-life index



- ۱- مشارکت امنیتی یا انتظام مشارکتی چه اهمیتی در دنیای جدید خاصه شرایط فعلی کشور ما دارد؟
 - ۲- چه تعریف و ابعادی برای این مفهوم می توان بیان کرد؟
 - ۳- کشورهای دنیا در این زمینه چه اقدامات بارزی داشته اند و ظرفیت کشور ما در استفاده از آنها چقدر است؟
 - ۴- تجربه کشور ایران درباره موضوع چیست؟ برنامه ها و سیاست های مربوط چه بوده اند؟
 - ۵- گزینه های عمل برای تقویت مشارکت مردم در امنیت و نظم اجتماعی کدامند؟
- اکنون با تشریح فضای مفهومی موضوع، در جهت پاسخ به پرسش های بالا تلاش می شود.

مشارکت و مشارکت مردمی

در حال حاضر، به دلیل اهمیت موضوع مشارکت مردمی، در هر سازمانی، اداره یا بخشی تحت عنوان «کمک ها یا مشارکت های مردمی» تشکیل شده است که سوای صرفه های مادی، ارزش های معنوی و فرهنگی مانند افزایش حس اعتماد، تعامل مستقیم با مردم را فرآوری می کنند. این امر نشان می دهد که مشارکت اگر سابقاً ضرورتی عقلانی بوده، امروزه به صورت نیازی اخلاقی- انسانی درآمده است. مشارکت یکی از ارزش های مهم انسانی- اخلاقی است که با خود عنصری از مسئولیت پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه را حمل می کند.

مشارکت مردمی در امنیت یکی از مصادیق مشارکت در توسعه ملی است. زیرا توسعه همه جانبه بدون برقراری نظم و امنیت همه جانبه غیر ممکن خواهد بود. تأمین امنیت فقط وظیفه نهادهای امنیتی و انتظامی نیست، تمامی نهادها و افراد باید در آن مشارکت کنند. این رویکرد، منظری از پایین به مقوله امنیت است و امنیت را فرآورده ای اجتماعی و مردمی می داند. در حقیقت این جامعه و اعضای آن است که به خود، امنیت می بخشد نه آن که از بیرون به آنها امان داده شود.



کارشناسان مطالعات پلیس و امنیت اجتماعی بر وجود سه دوره مشخص در کار پلیسی تأکید دارند: ۱- دوره سیاسی، ۲- دوره اصلاحات و ۳- دوره مشارکتی. بر هر یک از این دوره‌ها پارادایم خاصی حاکم بوده است. پارادایم دوره سوم که با مفهوم مدرن امنیت سازگاری دارد، جامعه محوری است. در این پارادایم، اصل بنیادی، اعتماد متقابل پلیس و مردم و مشارکت همدلانه این دو در رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در گفتمان جامعه محوری، امنیت امری گسیخته از سایر امور و عوامل اجتماعی نیست، بلکه در گرو سازگاری با فعالیت‌های نهادهای آموزشی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی است. این مفهوم با فضایل اخلاقی و سرمایه اجتماعی و مشارکت فعال مردمی همراه است (عبدی، ۱۳۸۲: ۸).

یکی از اندیشه‌هایی که در سال‌های اخیر مورد استقبال قرار گرفته، این است که پلیس باید در تعامل نزدیک با شهروندان، برای بهبود کیفیت اجتماع و رفتار مدنی تلاش و در این راه به جای جرم انگاری، از آموزش، ترغیب، متقاعدسازی و مشاوره استفاده کند. تأکید بر این راهبردها به معنای انکار پیوندهای میان بیکاری، فقر و جرم نیست، بلکه مبارزه علیه این مسائل اجتماعی، باید با رهیافت‌های اجتماعی در پیشگیری از جرم هماهنگ و تنظیم شود (گیدنز؛ ۱۳۸۶: ۳۲۷-۳۲۶).

در پنجاه سال اخیر، افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی و به وجود آمدن مسائل متعدد در حوزه‌های مختلف، انرژی و توان زیادی از نیروهای انتظام بخش را مصروف خود ساخته است. از این رو در سال‌های گذشته، پلیس با تغییر نگرش خود از متولی‌گری امنیت به برون‌سپاری برخی از فعالیت‌های انتظامی، زمینه را برای مشارکت افراد و نهادهای مختلف در امنیت و نظم فراهم کرده است. بر این اساس افراد می‌توانند در زمینه‌های مختلف برای افزایش نظم و امنیت خود و جامعه به پلیس کمک کنند. نظر به اهمیت و ضرورت این موضوع، ما مفهوم «مشارکت امنیتی» و معادل دیگر آن «انتظام مشارکتی» را از تلفیق مقولات مشارکت و امنیت، مطرح و تعریف می‌کنیم. حال به این امر می‌پردازیم.



مشارکت امنیتی

فهم کلیت مفهوم مشارکت امنیتی، نیازمند تجزیه دو مولفه سازنده آن و سپس ترکیب آنها با توجه به اهداف معین است: یکی مشارکت و دیگری امنیت. برای این که به توان تعریفی از مشارکت امنیتی یا انتظام مشارکتی ارائه داد، نخست هریک از دو مفهوم به طور جداگانه و مستقل تعریف و سپس با تقاطع مفاهیم با یکدیگر، تعریفی از آنها ارائه می شود.

امنیت^۱ مفهومی با پیچیدگی های خاص است. این مقوله «مفهومی غیر توسعه یافته، مبهم، نارسا و از نظر ماهیتی جدال برانگیز و از نظر شخصیتی، متباین و متناقض است» (تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۸) از این مفهوم تعاریف مختلفی ارائه شده است. تعاریف مندرج در فرهنگ های لغت درباره مفهوم کلی امنیت بر «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارد (ماندل، ۱۳۸۱: ۴۴).

«ولفرز» امنیت را چنین تعریف می کند: «امنیت در بعد عینی فقدان تهدیدات نسبت به ارزش ها و در بعد ذهنی فقدان ترس از هجوم (فیزیکی و غیر فیزیکی) به ارزش های را مورد سنجش قرار می دهد» (تاجیک، ۱۳۸۱: ۴۱).

امنیت از نظر موضوعی در حوزه های مختلف نظامی، اقتصادی، محیطی، سیاسی و فرهنگی مطرح می شود و از نظر سطح تحلیل، به امنیت محلی، ملی، منطقه ای (بین المللی) و جهانی قابل تقسیم است (ماندل، ۱۳۸۱؛ مکین لای و لیتل، ۱۳۸۰).

نکته با اهمیت این است که امنیت کامل وجود ندارد. هر جامعه ای تلاش می کند تا از طریق ایجاد سازکار مناسب وضعیت امن تری را بیافریند. بنابراین با توجه به هدف از طرح های تأمین امنیت در هر جامعه، امنیت را باید مقوله ای اجتماعی تعریف کرد که با احساس خوشبختی، آرامش و رضایت از زندگی رابطه نزدیک دارد. از طرفی با توسعه و رشد اقتصادی نیز ارتباط مستقیم دارد. اگر چنین کارکردهایی را برای نظم و امنیت مفروض بدانیم، باید امنیت را فرصت زندگی بهتر تعریف کنیم. از این نظر، امنیت زمینه و بستر توسعه انسانی است. با توجه به گستردگی دامنه مفهومی امنیت (که فراتر از حوصله و هدف

1. Security



خاص این مقاله است)، از تعاریف این مفهوم گذر می‌کنیم و این مقوله را معادل فرصت زایی و بسترآفرینی به کار می‌بریم.

از مفهوم مشارکت نیز مانند امنیت تعاریف متعدد صورت گرفته است. ادبیات مشارکت حتی گسترده تر از مقوله امنیت است. در تعریف بانک جهانی مشارکت «فرآیندی است که از طریق آن بهره‌برداران بر اقدامات توسعه و تصمیمات و منابعی که آنها را متأثر می‌سازد، اثر گذاشته و در کنترل آنها سهیم می‌شوند» (World Bank, 1994:3).

در تعاریف فائو، «مشارکت، فعالیت داوطلبانه افراد برای تغییر خودخواسته^۱، بهبود خود، زندگی و محیط و نهایتاً، افزایش توانایی و عمل برای پاسخ به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه است» (FAO, 1989: p-30).

در برخی از تعاریف، عنصر تصمیم‌گیری، شرط لازم برای مشارکت است، از نظر هریسون و همکارانش، «مشارکت لزوماً فرآیندی است که تضمین می‌کند آنهایی که در تصمیمی سهم یا منفعتی دارند در اتخاذ آن تصمیم نیز درگیر می‌شوند^۲. در بیانی دیگر؛ «مشارکت فرآیندی است که به موجب آن دو یا چند نفر یا یک حزب در تهیه طرح‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات با یکدیگر همکاری می‌کنند» (Blumberg, 1968: 70) این تعریف تعداد زیادی از فعالیت‌ها و رفتارها را در بر می‌گیرد.

«کلوب» و «ساحل»، مشارکت را فرآیندی توأم با خصایص «فعال‌بودن»^۳، «ارادی یا داوطلبانه‌بودن»^۴ می‌دانند (Club and Sahel 1988, Cf Mikkelsen 1995:65). «رام پی‌پارو» (۱۳۶۵) از جامعه‌شناسان توسعه نیز، مشارکت را نوعی شرکت داوطلبانه و ارادی در حوزه‌های تصمیم‌گیری، اجرای برنامه‌ها، منافع، ارزیابی و بازنگری برنامه‌های توسعه بیان می‌کند. در تعریفی به نسبت جامع‌تر «مشارکت به این معناست که همه اعضای گروه‌های هدف^۵ یا آنهایی که درگیر کار هستند، امکان دخالت و فعالیت مستقیم یا

1. Self Determined.

2. Harrison & et al 2001:2

3. Activity

4. Voluntary

5. Target groups.



غیرمستقیم در تصمیم‌گیری و ارزیابی یک نظام یا نهاد توزیع را دارا هستند و ضمن حضور در فعالیت‌ها، از نتایج آنها نیز برخوردارند» (Shahid and et al 1982:36).

«اوکلی و مارسدن»، مشارکت را به معنای «سهیم شدن فعال و سازماندهی یافتن گروه‌های جامعه به‌ویژه گروه‌های خاص آسیب‌پذیر جامعه در سطوح منطقه‌ای» تعریف می‌کنند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۳ و ۶۸).

در میان تعریف‌های موجود، تعاریف «میسرا» و «رابرت چمبرز» که بر خصایص انسانی و روان‌شناختی مشارکت تأکید می‌کنند قابل تأمل هستند. میسرا مشارکت را «پدیده‌ای چهاربعدی شامل صیانت نفس، درک نفس، قدرت تصمیم‌برای خود و تسلط بر نفس» می‌داند (میسرا، ۱۳۶۵: ۳۳).

رابرت چمبرز^۱ نیز با تأکید بر مضامین عمیق مشارکت می‌نویسد که از این واژه در سه جهت استفاده می‌شود:

۱- استفاده تزئینی؛ با این هدف که هر نوع پیشنهادی را خوب جلوه دهند.
۲- استفاده ابزاری؛ به این معنا که از طریق بسیج نیروی کار محلی، هزینه‌ها را کاهش دهند.

۳- استفاده واقعی؛ زمانی است که به مردم اختیار داده می‌شود تا با فعالیت خود کنترل امور را به دست گیرند و با اعتماد به نفس بیشتر تصمیمات خود را اتخاذ کنند (چمبرز، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

اگر بخواهیم به همین نحو تعاریف مشارکت را بیان کنیم، با انباشته‌ای از تعاریف مواجه می‌شویم.^۲ تعاریف بالا همگی مؤید وسعت معنایی اصطلاح مشارکت هستند. آنچه این مضامین را به مشارکت واقعی نزدیک می‌کند خصایصی چون آگاهی و اراده در آنهاست. بنابراین با کمک تعاریف بالا می‌توان گفت که کنشی مشارکتی در جهت رسیدن به اهداف با ویژگی‌های زیر است:

1. R. Chambers

۲- برای مرور تعاریف و دیدگاه‌های چندگانه مشارکت ر.ک.: غفاری و نیازی ۱۳۸۶.



۱- فعال بودن در مقابل منفعل بودن. اسمیت مدعی است که «مشارکت منفعل اغلب، ناواقعی^۱، سرکوبگر^۲، غیر متعهدانه و صوری^۳، است» (Smith 1998:197).

۲- ارادی و داوطلبانه بودن در مقابل اجبار و تحمیل. هر عمل مشارکتی واقعی با آگاهی، اراده و هوشیاری همراه است.

۳- قدرت بخشی و تواناسازی. عمل مشارکتی، طریقی برای توانمندسازی افراد همکار در رفع نیازها و غلبه بر مشکلات و موانع رشد و پیشرفت است.

۴- انتفاع و سودمندی حاصل از عمل (چه برای خود یا برای دیگر اعضای جامعه). بدیهی است این سودمندی و فایده حاصل از عمل، نباید به بهای اضرار و زیان فعالیت‌های مشروع دیگر افراد جامعه باشد. در این ویژگی، نوعی تعهد و التزام به گروه و دیگر اعضای جامعه نیز وجود دارد.

با توجه به توضیحات بالا، اگر بخواهیم دو مفهوم امنیت و مشارکت را تحت اصطلاح مشارکت امنیتی با هم ترکیب کنیم، تعبیر جدید، تمامی مصادیق کاربرد (اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) و شمول معنایی (خرد، میانه و کلان) دو مفهوم پیشین را در بر خواهد گرفت. بر این اساس، مشارکت امنیتی همان انتظام همگانی و مشارکتی است که باید چنین تعریف شود: «کنشی اجتماعی و داوطلبانه که معطوف به نظم و امنیت محله و محیط زندگی است که به اشکال مستقیم یا غیرمستقیم در قالب فعالیت‌های دگریارانه یا خودیارانه به گونه‌ای پایدار و تأثیرگذار در جامعه صورت می‌گیرد» به منظور تشریح دقیق تر موضوع، ابعاد و تأکیدات این تعریف به قرار زیر بیان می‌شوند:

۱- کنش اجتماعی: مشارکت امنیتی، عملی است که با نوعی همسویی ذهنی و عاطفی، با قصد، نیت و اراده همراه است. افراد مشارکت کننده برای عمل خود نوعی معنای ذهنی خاص قائل اند و از همین رو آن را واجد ارزش‌های مادی (حراست خود و جامعه خود)، ارزش معنوی و نمادین (کمک به ممنوع، رضایت خاطر، رضای خداوند و...) می‌دانند.

1. Inauthentic.
2. Repressive.
3. Tokentis.



۲- اشکال مستقیم و غیرمستقیم: این مشارکت فقط به مشارکت فیزیکی و خدماتی مانند حضور در فعالیتهای انتظامی و شرکت در بحرانهای امنیتی محدود نمی‌شود، بلکه برخی از اشکال دیگر غیرمستقیم نظیر مشارکت فکری (طرح ایده و راهکار)، مالی (اعم از نقدی و جنسی) و هماهنگی و همسویی با نهادهای مسئول و اهتمام به دستورالعمل‌ها و توصیه‌های انتظامی مقطعی آنها را نیز در بر می‌گیرد.

۳- فعالیتهای داوطلبانه دگریاری یا خودیاری: در مشارکت امنیتی اجبار و تحمیل وجود ندارد، بلکه فرد یا گروه با رضایت خاطر به انجام آن مبادرت می‌کند. این نوع مشارکت هم ممکن است به صورت فردی بدون توقع دریافت کمک مستقیم مانند دادن پول یا کالا انجام گیرد و هم به صورت سازماندهی شده در قالب تشکلهایی که افراد امنیت خاطر جمعی خود را از شرکت در آنها مطالبه کنند.

۴- پایداری و نظام‌مندی: این نوع مشارکت با انسجام و همبستگی جامعه است. وقتی این نوع مشارکت مرتبط در شکل‌های گروهی و نهادی، نظام‌مند گردید به گونه‌ای مستمر و پایدار تداوم می‌یابد و اثرات آن به طور پویا و همیشگی در جامعه وجود خواهد داشت.

۵- فرصت‌زایی و توانمندسازی: پیامد هر نوع مشارکتی، باید مثبت و بهبودآفرین باشد نه مخرب و تنش‌زا. مهم‌ترین پیامد این مشارکت، قابلیت‌زایی و توانمندسازی برای تأمین امنیت است. مشارکت امنیتی محصول فرصت‌های فراهم آمده برای توانمندسازی مردمی است. این نوع مشارکت، فرصتی فراهم می‌کند تا گروه‌های غیر همسو و ناهماهنگ با سامان اجتماعی با جامعه همگام شوند. به این معنا که باید به افراد جامعه، توانایی نمایش اراده جمعی آنها را نشان دهد. در واقع، نوعی آرامش خاطر جمعی، پیامد این نوع مشارکت خواهد بود.

تجارب جهانی

با توجه به تعریف و ابعادی که برای مشارکت امنیتی بیان شد، این موضوع می‌تواند گونه‌های مختلفی داشته باشد. مشارکت در مرحله، مشارکت در قالب سازمان‌های غیردولتی،



مشارکت در آموزش نظم و امنیت، مشارکت در ارائه خدمات مادی و کالایی مرتبط با نظم و امنیت و ... همگی از مصادیق مشارکت امنیتی و انتظامی هستند.

شهروندان به گونه‌های مختلف در امنیت جامعه شرکت می‌کنند. اقدام به برقراری امنیت خصوصی یا گروهی، نهی از اعمال ضد اجتماعی، همکاری با پلیس و حتی عکس العمل خشن از گونه‌های این نوع مشارکت هستند.

مشارکت در امنیت فقط مربوط به طبقات بالا یا کشورهای توسعه یافته نیست، بلکه کاوش در این حوزه نشان می‌دهد که کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه امریکای لاتین و افریقا نیز در این زمینه فعال هستند. در حال حاضر استفاده از مؤسسات خصوصی امنیتی مختص اقلیت ثروتمند جامعه نیست، بلکه گروه‌های متوسط و حتی برخی از مناطق فقیرنشین نیز به نوعی برای تأمین امنیت خود در قالب گروه‌های داوطلبانه سازمان یافته‌اند.

در سطح جهانی، دولت‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های غیردولتی هر یک به ابتکارات متعددی در این زمینه دست زده‌اند. نکته قابل توجه در این زمینه، همراهی و همکاری میان شهرداری‌ها، اجتماعات سازمان یافته، پلیس و نظام قضائی وابسته به مردم است. کشورهای مختلف، برخی پیمان‌ها و تفاهم نامه‌های امنیتی و شهری ارائه کرده‌اند که در آنها دولت مکلف شده‌اند نوآوری‌ها و ابتکارات در حوزه نظم و امنیت را حمایت و تشویق کند. معمولاً شهرها، انجمن‌هایی برای پیشگیری از جرائم تأسیس کرده‌اند که ساکنین اجتماع یا منطقه در آن نماینده دارند. این انجمن‌ها که به مسائل جرم می‌پردازند، بخش‌های متعددی دارند که برنامه‌ها را تعریف، هماهنگ و اجرا می‌کنند. نمونه این انجمن‌ها در کل اتحادیه اروپا و در برخی از شهرهای امریکای لاتین به وجود آمده‌اند. انجمن‌ها ممکن است توسط قدرت‌های محلی یا به وسیله افراد مستقلی تشکیل شوند و موفقیت آنها به میزان اقتدار محلی پشتوانه آنها و اختیار اداری‌شان بستگی داشته باشد. به طور کلی به واسطه این انجمن‌ها، همه بازیگران اصلی یک منطقه دور هم جمع شده و به طور مشخص با پلیس و نظام قضائی همکاری می‌کنند (Kelling, 1985, Vanderschueren; 1996: 105-6).

نمونه‌هایی از مشارکت در امنیت را می‌توان در کشورهای بلژیک، هلند و کلمبیا، ژاپن و انگلستان مشاهده کرد. در بلژیک طی سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۲ بین دولت و



شهرداری‌ها تفاهم نامه‌ها و قراردادهایی انتظامی به اجرا درآمد. در سال ۱۹۹۳ دولت بلژیک و شهرداری بروکسل از اقدامات ابتکاری مشخص در حوزه امنیت حمایت کرده‌اند. برخی از این ابتکارات عبارت بودند: ایجاد پلیس محله، تکریم و استقبال از مردم توسط ایستگاه‌های پلیس، آموزش و هدایت تماشاگران ورزشی شهر (که اغلب از سوی آشوبگران جوان مسابقات فوتبال همراه می‌شوند)، استخدام میانجی (برای حل اختلاف)، کمک به انسجام گروه‌های خاص و بیگانگان، توسعه مراکز مقابله با سوءاستفاده و قاچاق داروهای عمومی. با کمک اتحادیه فوتبال، برقراری امنیت طرح‌های ورزشی از جمله ورزش‌های خیابانی و مسابقات فوتبال محلات بلژیک نیز به خوبی سازمان داده شد (Vourch and Marcus; 1993 : 101-109).

نمونه دیگری از تعامل بین پلیس، حکومت محلی و شهروندان را می‌توان تحت عنوان شبکه‌های امنیت محلی در هلند مشاهده کرد (Tarpstra; 2008).

فعالیت شهرداری کالی^۱ در کلمبیا نمونه دیگری از حضور مردم و نهادهای مردمی در برقراری امنیت اجتماعی است. این شهرداری از طریق برنامه‌ای موسوم به «دسپاز»^۲ در پیشگیری از جرم و افزایش امنیت مشارکت می‌کند. دسپاز بر سه اصل زیر استوار است:

- جرم قابل پیشگیری است.

- جرایم دلائل متعدد دارند و نیازمند راه‌حل‌های متعدد هستند.

- پیشگیری از جرم و خشونت نیازمند تعهد و فعالیت همه شهروندان است.

در همین زمینه انجمنی امنیتی وابسته به شهرداری ایجاد شد تا متولیان مقابله با جرم را گردهم آورده و شیوع جرم را محله به محله مورد مطالعه قرار دهد. این انجمن هر هفته جلسه‌ای دوساعته در یکی از نواحی بیست‌گانه شهر برگزار می‌کند که شرکت در آن برای عموم آزاد است. در این جلسه شهردار، اعضای کمیته‌های علمی و رهبران محلی شرکت می‌کنند. شرکت‌کنندگان درباره همه موضوعات مرتبط با جرم و امنیت عمومی، استراتژی‌ها و راه‌حل‌های مشخص بحث می‌کنند. تاکنون این فرایند همکاری سبب شده است برنامه‌هایی در زمینه‌های اجرای قانون، آموزش اجتماعی و توسعه اجتماعی نظیر برنامه

1.Cali

2.Desepaz



توسعه کسب و کار کوچک برای فروشندگان خیابانی، جوانان و زنان خانه دار ارائه و اجرا شود. یکی از فعالیت‌های اصلی انجمن، ترویج فرهنگ سازش و عدم خشونت است. گروه‌های ترویج صلح به کمک جوانان به عنوان مشاوران و آموزش‌دهندگان قانون فعالیت می‌کنند. آنها حقوق انسانی را آموزش داده و شیوه‌هایی را برای حل نزاع‌ها و درگیری‌های شخصی و عمومی پیشنهاد می‌دهند. اگر هم ضروری باشد افراد را به مجامع حل اختلاف ارجاع می‌دهند. زوج‌ها، والدین، مدارس و رسانه از این برنامه‌های خشونت‌زدایی و ترویج صلح، آشتی و همکاری استقبال زیاد کرده‌اند.^۱

یکی از محمل‌های مهم مشارکت امنیتی، سازمان‌های غیررسمی و غیردولتی هستند. امروزه مهمترین بخش مشارکتی در هر حوزه اجتماعی را این دسته سازمان‌های داوطلبانه تشکیل می‌دهند. اهمیت این سازمان‌ها به حدی است که از آن به عنوان «بخش سوم» در کنار بخش دولتی و خصوصی یاد می‌کنند. می‌توان این بخش را با نام «اجتماع» یا «مردم» نیز مطرح کرد. در بخش امنیت نیز باید ضمن بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی، از بخش سوم نیز استفاده کرد. به دلایل زیر بهره‌مندی از توان و قابلیت‌های سازمان‌ها و تشکل‌های داوطلبانه مردمی در انتظام و امنیت امری عقلانی و در نتیجه ضروری است:

۱- این بخش بر توسعه و بسیج اجتماعی توده‌ها به‌ویژه گروه‌های محروم و منزوی از جامعه تمرکز یافته است. طرد و محرومیت برخی از گروه‌ها، فقط نتیجه شرایط اقتصادی نیست بلکه نتیجه شرایط بی‌قدرتی سیاسی نیز هست. این بخش می‌تواند این شرایط را از راه فرآیندهای آگاهی‌بخشی، بسیج، تواناسازی و وکالت سیاسی^۲ و گاهی تحول و تغییر اجتماعی دنبال کند.

۲- این سازمان‌ها درصدد کسب حمایت اخلاقی و مادی طیف وسیعی از مشارکت‌کنندگان در حوزه‌های مختلف است.

1. Vanderschueren; 1996

2. Policy Advocacy.



۳- بخش سوم دارای ثروتی از دانش و شناخت مردم و نخبگان محلی در زمینه راهبردهای ارتقای امنیت، ضعف و هماهنگی یا انطباق و واکنش‌های نخبگان به این استراتژی‌هاست.

بنابراین اگر پلیس بر فعالیت‌های مردمی و همکاری‌های بین بخشی تمرکز کند، می‌توان نام آن را «پلیس اجتماع‌محور» نام‌گذاری کرد. پلیس اجتماع‌محور، نیرویی است که نظم و امنیت را حداکثری و مشارکتی می‌بیند و راه تأمین کامل آن را در مردم و تشکل‌های مردمی جستجو می‌کند. در این نوع پلیس مشارکت‌طلب، اهداف زیر دنبال می‌شوند:

- ۱- تأکید بر اصل خوداتکایی و خودیاری در برقراری نظم و امنیت جامعه.
- ۲- اهمیت عمل جمعی برای حل مسائل و مشکلات مربوط به نظم و امنیت.
- ۳- رهایی از کنترل و تفوق دولت به مثابه عامل اصلی امنیت و نظم.
- ۴- حرکت برای قدرت‌بخشی و توانمندسازی افراد.
- ۵- تجهیز و بسیج گروه‌های کوچک به عنوان واحدهای اساسی انتظام و فعالیت امنیتی.

۶- تأکید زیاد بر گروه‌های محلی برای افزودن بر توفیق برنامه‌های ارتقای امنیت. امروزه فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در سطح ملی، محلی و حتی در سطح بین‌المللی بخشی از توفیق برنامه‌های امنیتی و انتظامی در جوامع را به خود وابسته کرده‌اند. این سازمان‌ها به شیوه‌های مختلف در ایجاد و حفظ امنیت شرکت می‌کنند. برای نمونه یکی از این سازمان‌ها غیر دولتی فعال - که در زمان جنگ در دهه ۱۹۸۰ در اوگاندا شکل گرفت و در سال ۱۹۸۸ قانونی شد - انجمن مقاومت اوگانداست. این انجمن سازمانی مردمی با مسئولیت‌هایی در نواحی روستایی و شهری است. اهداف اصلی این انجمن عبارتند: تضمین امنیت و احترام به قانون در محدوده اختیار قانونی خود، برقراری ارتباط با فعالیت‌های دولتی در زمینه امنیت، بالابردن توسعه منطقه خود و افزایش کمک متقابل در درون جامعه. این انجمن در پیشگیری و کنترل جرم و کمک به فقرا نقش مهمی دارد. آن‌ها در موضوعات و مسائل مربوط به قانون مدنی مانند بدهی، قراردادهای خسارات دارایی،



کلاه‌برداری، قانون عمومی و مسائل مربوط به زمین دخالت می‌کنند. همچنین در موضوعات جزائی نیز مداخله و عدالت را بدون اتهام بی‌مورد، به طور سریع و شفاف برقرار می‌کنند. این سازمان نخستین مؤسسه مردمی در اوگانداست که در مواردی چون دزدی، نزاع‌های خشونت بار یا تصادفات فعالیت و مشارکت دارد. انجمن، موارد مذکور را به پلیس و دادگاه‌های قانونی گزارش می‌دهد. اگر هدف توقیف و دستگیری باشد پلیس وارد محله یا خانه قربانی نمی‌شود، مگر اینکه موافقت رئیس انجمن مقاومت را به دست آورده و به وسیله او همراهی شود. به طور کلی، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که انجمن جدای از مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی، امنیت را نیز بهبود بخشیده است. انجمن، همکاری با پلیس را تسهیل کرده و مانع سوءاستفاده نظامیان از قدرت شده و اشکال مؤثر میانجی‌گری و مصالحه را انجام داده است. این سازمان غیردولتی همچنین در بازآفرینی و احیای هویت‌های محلی میان ساکنین شهرهای تحت حمایت سهیم بوده است (Avent 2007; Nsibambi; 1991).

شکل دیگر مشارکت امنیتی، همکاری مردم و افراد عادی با پلیس است. تجربه کشورهای مختلف حاکی از وجود اشکالی از تعاملات و همکاری‌ها بین پلیس و مردم است. بدین صورت که پلیس از طریق برنامه‌ها و طرح‌های متعدد با همکاری افراد جامعه تلاش دارد تا فضای امن تری را در جامعه ایجاد کند. این موضع بیانگر آن است که پلیس نیز در عرصه جهانی پذیرفته است که امنیت به خصوص امنیت درون شهری مقوله‌ای فراسیاسی و بلکه اجتماعی - فرهنگی است.

کوبانزها^۱ یکی از شیوه‌های جدید تعامل پلیس با مردم است. در ژاپن ۱۵۰۰۰ ایستگاه پلیس محله کوچک وجود دارد. ۹۰۰۰ از این نوع ایستگاه‌ها به عنوان مقر مأمورین پلیس در مناطق روستایی خدمت می‌کنند. کشور ژاپن از این طریق به جای تمرکز نیروهای پلیس خود در تعداد کمی ایستگاه‌های بزرگ، تلاش کرده است میزان حضور و دسترسی به پلیس را افزایش دهد. تمامی فارغ التحصیلان دانشکده پلیس ملی باید چندین سال در این ایستگاه‌های کوچک خدمت کنند. آن‌ها بیشتر اوقاتشان را برای خدمت به محله اختصاص

1. Kobans

کوبانزها، ایستگاه‌های انتظامی محلی در ژاپن هستند.



می‌دهند. همچنین موظفند در طول سال، دست کم دوبار به بازدید خانواده‌ها، مغازه‌ها و مؤسسات تجاری بروند. آن‌ها خبرنگارهایی برای ساکنان محله آماده کرده، رخدادهای ورزشی را برای جوانان گزارش داده و در جلسات سازمان‌های محلی شرکت می‌کنند. این مأمورین پلیس محله در روابط خود با بزهکاران جوان سعه صدر به خرج می‌دهند. برای مثال در سال ۱۹۹۰ گزارش شده است که ۳۱ درصد بزهکاران دستگیر شده توسط آن‌ها بعد از امضای یک نامه عذرخواهی آزاد شده‌اند. این عمل باعث شده است تشریفات اداری کاهش یافته و شهرت پلیس به خاطر عفو و اعمال انسان دوستانه افزایش یابد. این موضوع به هیچ وجه تأثیرگذاری فعالیت‌های پلیس دولتی را کاهش نداده است. شواهد آن این است که پلیس در سال ۱۹۸۹ به ۷۳ درصد همه دستگیر شده‌ها پاسخگو بوده و مسائل مربوط به ۷۶ درصد دزدی‌ها را حل کرده است (Ipc, 1995).

در انگلستان نیز نوعی طرح امنیت محلی با نام انتظام یا حراست محلی وجود دارد که بیانگر نوعی تعامل پلیس و اجتماعات محلی است. گروه‌هایی که کار برقراری امنیت محله را بر عهده دارند از دو نفر در مناطق کوچک تا سازمان‌هایی با بیش از یکصد نفر را در بر می‌گیرد. این گروه‌ها افرادی مانند نگهبانان امنیت محله، مأمورین حمایت‌کننده پلیس محله، گروه‌های مربوط به کیفیت زندگی و رفتارهای ضداجتماعی، نگهبانان کوچک، نگهبانان امنیت خصوصی و نگهبانان داوطلب را شامل می‌شود. این گروه‌ها که با همکاری افراد محلی به فعالیت مشغولند نقش بسیاری در کاهش رفتار ضداجتماعی، افزایش همبستگی اجتماعی و کمک به پاکسازی محلات داشته‌اند. نتایج حاصل فعالیت گروه‌های حراست محلی در انگلستان به قرار زیرند:

- ۱- ارتقای، درک عمومی از امنیت.
 - ۲- کاهش رفتار ضداجتماعی و محل کیفیت زندگی.
 - ۳- افزایش سطح اعتماد و اطمینان به حراست و امنیت.
 - ۴- افزایش سرمایه اجتماعی و کارایی جمعی (Hughes & Rowe; 2007:321-325).
- مشورت و پاسخگویی دو محور مهم در همبستگی پلیس و اجتماعات محلی انگلستان بوده‌اند. همچنین شفافیت، صمیمیت و قابلیت دسترسی، سه اصل مرکزی فعالیت‌های



حراست محلی را تشکیل می‌دهد. فعالیت‌های این گروه‌ها به صورت آشکار است. نوعی روابط صمیمی بین این افراد و ساکنان محله وجود دارد و آنها دائماً نیز در دسترس هستند (Ibid: 329-330).

افزون بر این گروه‌ها، دادگاه‌ها و یا مکان‌هایی معطوف به برقراری عدالت و انصاف، در کشورهای مختلف هستند که به طور مستقیم در امنیت نقش دارند. در حقیقت نظام‌های عدالت که توسط دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی دائر می‌گردد نقش کلیدی‌ای را در پیشگیری از جرم، محافظت از قربانیان، آموزش ساکنان شهر و در نهایت کاهش جرم دارند.

در کشورهای مختلف از جمله کشور ما، شکل‌های جدیدی از نظام‌های کمک به عدالت کیفری ظاهر شده‌اند که وساطت کیفری، دادگاه محلی و مراکز حل اختلاف از مهمترین نوع آنهاست. در میانجی‌گری، راه حل، گفتگو با دو طرف متخاصم است. در اینجا رضایت دو طرف مهم بوده و میانجی می‌تواند حتی وکیل یا قاضی نباشد. در حقیقت این نظام، شکل سریع و غیر رسمی برقراری عدالت است که در اکثر موارد مسائلی را که بررسی آنها در دادگاه‌های رسمی به تعویق می‌افتد پاسخ می‌گویند.

دادگاه‌های محلی به شکل‌های گوناگون مانند دادگاه صلح (در انگلیس، اسپانیا)، دادگاه خانواده (در فرانسه) هیأت‌های داوری محله (در فیلیپین، امریکای لاتین) نیز در کشورهای مختلف تشکیل شده‌است. مزیت این دادگاه‌ها، ارتباط تنگاتنگ با ساکنین محله، دسترسی زیاد، ارزان بودن، سرعت و استفاده از ارتباطات کلامی است. این دادگاه‌ها که مشکلات روزمره مردم را بررسی و حل می‌کنند، برخلاف میانجی‌گری حتی ممکن است مجازات‌هایی هم برای افراد در نظر بگیرند. نمونه این نوع دادگاه‌ها در سال ۱۹۹۲ در فرانسه تشکیل شده و در سال ۱۹۹۴ حدود پنجاه درصد از این نوع پرونده‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

دادگاه‌های حل اختلاف که به وسیله افراد غیرحقوقدان اداره می‌شود، نمونه دیگری از برقراری عدالت است که با مبنای قرار دادن توافق طرفین متخاصم به فعالیت می‌پردازند. جالب‌ترین این نوع دادگاه‌ها در چین وجود دارند. حدود دو میلیون از این نوع هیأت‌های



داوری مردمی در کل شهرها و روستاهای چین پراکنده شده‌اند. این نوع دادگاه‌ها حدود شش میلیون پرونده را در هر ماه مورد بررسی قرار می‌دهند (Venderschueren; 1996: pp.110-112). به‌طور کلی، خصیصه مهم این نوع مراکز صلح و حل اختلاف، سرعت و قابلیت دسترسی بالای آن‌هاست. این مراکز روش‌ها عمل را بر ابزارهای غیر رسمی نظم مبتنی ساخته و بر اساس سنت‌های محلی عمل می‌کنند. در این مراکز میانجی یا داور، قاضی حرفه‌ای نیست، از این رو هزینه پایین دارند و از کارایی مناسب برخوردارند. با وجود این نوع دادگاه‌ها که هیچ کس احساس مصونیت نمی‌کند می‌توان گفت، عدالت بهتر رعایت می‌شود.

تجربه ایران

در ایران نیز طی سال‌های اخیر بحث مشارکت مردمی در امنیت مورد توجه قرار گرفته است. فعالیت‌هایی که اخیراً نهادهای مربوط در این حوزه انجام داده‌اند، بیانگر آن است که مشارکت امنیتی از طرف پلیس و حتی مردم ضرورتی انکارناپذیر به حساب می‌آید. در جهت احساس چنین ضرورتی، طرح‌ها و برنامه‌هایی با خواست نیروی انتظامی و مساعی مردم انجام گرفته که هر یک سطحی از توفیق و چالش‌ها را داشته است. در زیر چهار مورد از مهم‌ترین طرح‌های معطوف به جلب مشارکت مردمی بیان می‌شوند:

الف- حراست محلی (پلیس محله)

حراست یا انتظام محلی در همه کشورها از جمله ایران مورد توجه بوده است. این موضوع فقط بیانگر شرکت دادن شهروندان در امور انتظامی نیست، بلکه تغییر نگرش سنتی نیروهای پلیس را نیز نشان می‌دهد. انتظام محله تأکید تازه‌ای بر پیشگیری از جرم به جای اجرای قانون است که با ادغام دوباره کار پلیسی با اجتماع همراه است (گیدنز؛ ۱۳۸: ۳۲۶).

پلیس محلی، تجربه‌آشنایی است که بسیاری از کشورهای دنیا به انجام آن اهتمام داشته‌اند. وقتی بحث از امنیت اجتماعی مطرح می‌شود، بی‌درنگ امنیت محله‌ها و خیابان‌ها به ذهن می‌آید. در ایران، محله یکی از حوزه‌هایی است که امنیت آن از گذشته‌های دور



مورد توجه بوده است. انتظام محلی با عناوین، شیوه‌ها و اهداف متفاوت انجام می‌شده است. تاریخ شکل‌گیری حرفه‌ای تحت عنوان شبگرد، ناطور شب، پاسبان و غیره ریشه در دوران فئودالی ایران دارد که به دنبال آن با تشکیلاتی شبیه پلیس، یا انتظامات شخصی-قبیله‌ای رونق یافت. با سیر تحولات اجتماعی، سیاسی، تشکیل شهرها و نیاز به برقراری نظم و امنیت عمومی و همچنین فروپاشی ساختارهای اقتصادی کهن، نوعی پلیس شهری در جامعه پایه‌گذاری شد. این بار افرادی به جای حفاظت از حریم منافع خان‌ها به استخدام گروهی از شهروندان ثروتمند درآمدند. از اوایل دهه ۳۰ هجری شمسی شب‌پاها به عنوان افرادی که مراقب حریم کوچه‌ها، محله‌ها و حتی خانه‌ها بودند، وارد چرخه فعالیت‌های امنیتی شهرهای ایران شدند که این امر بسترساز فعالیت‌های اقتصادی گردید. این مسأله که در اثر ترس از ناامنی برای حفظ اموال و ایجاد امنیت در محله‌ها شکل گرفت، موجب شد تا به شکل تصادفی و البته از سر نیاز، مردم در امنیت محله‌ها و شهرها که وظیفه حکومت و پلیس بود مشارکت کنند. این مشارکت سبب انتقال بخشی از وظایف نیروهای انتظامی و امنیتی به خود مردم شد. در حقیقت این مردم بودند که خود را به نوعی ملزم به مشارکت و دخالت در امنیت و اموال خود می‌دیدند. از این رو مشارکت جامعه در امنیت به صورت ایجاد نگهبان محله، پلیس محله، نگهبان بازار یا پاساژ جای خود را به شب‌پاهای قدیم داد. پلیس محله در معنی عام خود، وظیفه حفظ نظم و مراقبت از امنیت محله را بر عهده دارد. در بسیاری از موارد اهالی یک کوچه یا شهرک با ایجاد مکانی ثابت، مراقبت از محله را به فردی معتمد می‌سپارند، حقوق ماهانه این فرد نیز به صورت مشترک توسط اهالی پرداخت می‌شود. این موضوع توسط بازاریان نیز به شکل دیگری انجام می‌شود.

براساس طرح پلیس محله یک ایستگاه با حضور یک فرمانده پلیس در محلات مستقر می‌شود و با مشارکت مردم مراقب نظم و امنیت محله خواهند بود. تشکیل پلیس محله با محوریت هیأت امنای محله و پلیس‌های افتخاری محله از میان داوطلبان صورت می‌گیرد. تردیدی نیست که طرح پلیس محله، دستاوردهای خوبی در بر خواهد داشت. اما راجع به کم و کیف اثرات آن تحقیق و پژوهش قابل اتکایی انجام نشده است که بتوان بر مبنای آن کارایی و موفقیت این طرح را ارزیابی کرد.



ب- همیار پلیس

یکی دیگر از شیوه‌های مشارکت افراد در امنیت طرح همیار پلیس است. این طرح را کشور ژاپن به خوبی اجرا کرده است و موفقیت‌هایی نیز داشته است. در ایران نیز برای اجرای این طرح، برخی از اثرات روانی اجتماعی مثبت آن را از جمله کاهش حوادث رانندگی و مرگ و میر ناشی از آن، مدیریت بهتر فراغت جوانان و نوجوانان بر شمرده اند^۱. همیار پلیس همان گونه که از اسمش پیداست، فردی است که در برخی از زمینه‌ها آموزش دیده و طبق مقررات خاصی در امور انتظامی یا راهنمایی و رانندگی با پلیس همکاری می‌کند. دانش‌آموزان بیشترین همیاران پلیس بوده‌اند که در روزهای شلوغ و پر رفت و آمد سال با پلیس همکاری کرده‌اند.

اجرای این طرح در بهبود شاخص‌های رانندگی کشور تأثیر به‌سزایی داشته و نمونه موفق از همکاری نیروی انتظامی و آموزش و پرورش است. همیاران پلیس با فعالیت‌های خود باعث شدند تا علاوه بر بهبود وضعیت رانندگی در کشور میزان تصادفات نیز کاهش یافته و همچنین احساس مسئولیت اجتماعی بی‌سابقه‌ای در کودکان و دانش‌آموزان برانگیخته شود. نوآموزان پیش‌دبستانی و دانش‌آموزان اول ابتدایی نشان همیار یکم پلیس، دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبستان نیز نشان همیار دوم پلیس دریافت می‌کنند. به دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم نیز نشان همیار سوم پلیس اعطا می‌شود و دانش‌آموزان پایه اول راهنمایی هم به‌عنوان پلیس یار جوان شناخته می‌شوند. در این طرح، ۶ میلیون دانش‌آموز ابتدایی در سراسر کشور با دریافت کارت همیار پلیس در روزهای ابتدایی سال به صورت افتخاری با پلیس همکاری کرده‌اند. آنها موظف شدند در زمان مسافرت‌های نوروزی با رعایت احترام و ادب، چنانچه در زمان رانندگی مواردی از تخلف را توسط والدین و اقوام خود مشاهده کردند، تذکر دهند.

۱- طرح همیار پلیس سال ۱۳۸۶ برای نخستین بار در کشور با همکاری گسترده وزارت آموزش و پرورش و پلیس راهور ناجا برای ۶ میلیون دانش‌آموز برگزار شد. در سال ۱۳۸۷ تعداد همیاران دانش‌آموز پلیس به بیش از هفت میلیون نفر رسیده است. (ر. ک www.OMIDNEWS.ir.htm)



طرح همیار پلیس نشان‌دهنده همکاری و تعامل سازمان‌های رسمی با نیروی انتظامی برای ارتقای امنیت و نظم جامعه است. در حقیقت آموزش و پرورش از طریق این همیاری توان نیروی انتظامی را از نظر کمی و کیفی در ایجاد امنیت و نظم بالا می‌برد.

اهمیت و ضرورت مشارکت در امور راهنمایی و رانندگی یا طرح همیار پلیس با آگاهی از آمار و ارقام خسارت‌های این بخش مشخص می‌شود. «سالانه بین ۲۸ تا ۳۰ هزار نفر بر اثر رفتار غلط در رانندگی کشته می‌شود. این آمار به گونه‌ای است که هر ۲۴ ساعت ۸۰ نفر بر اثر این تصادفات کشته می‌شوند در حال حاضر وقوع تصادفات رانندگی دومین عامل مرگ مردم بعد از ایست قلبی است. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی، تعداد کشته‌های ناشی از تصادفات در ایران تا سال ۲۰۲۰ حداقل ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. به طور معمول ۷۰ درصد کشته‌های ناشی از تصادفات، نان آور خانواده هستند. ضمن اینکه هر سال ۱۰ هزار نفر به تعداد زندانیانی که به دلیل عدم توان مالی نسبت به پرداخت دیه ناشی از تصادفات، افزوده می‌شود که این رقم بسیار بالایی بوده و از نظر افزایش آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری در جامعه فاجعه بزرگی است. روزانه ۲ هزار میلیارد تومان خسارت مالی بر اثر تصادفات به کشور تحمیل می‌شود» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷، نقل از گزارش‌های راهور ناجا).

آمارهای مذکور بیانگر ضرر و زیان‌های اقتصادی، اجتماعی و جانی عدم رعایت قوانین رانندگی است. این زیان‌ها به دلیل ارتباطی که با یکدیگر دارند باعث تشدید مسائل دیگر می‌شوند، تا جایی که می‌توان گفت در مقایسه با شاخص‌های توسعه‌یافتگی جهانی تکان‌دهنده هستند. بنابراین مشارکت مردم در این زمینه، نه تنها باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود، بلکه این هزینه‌ها می‌تواند در زمینه‌های دیگر باعث شکوفایی و توسعه کشور گردد. از این رو طرح همیار پلیس که از سویی بیانگر مشارکت ارادی دانش‌آموزان یا افراد بسیجی در امنیت بخشی به جامعه است، طرحی اقتصادی و فرهنگی در جهت تقویت شاخص‌های کیفیت زندگی و توسعه در کشور است.



ج- شوراهای حل اختلاف

همان‌طور که گفته شد یکی از جلوه‌های مشارکت در نظم و امنیت وجود مکان‌های غیررسمی داوری، میانجی‌گری و دادگاه‌های صلح است. در ایران این کار از راه تشکیل شوراهای حل اختلاف انجام می‌گیرد. سابقه این نوع شورا به قبل از انقلاب بازمی‌گردد، اما در برنامه سوم توسعه وجود این شوراها در ماده ۱۸۹ قانون توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است. براساس این ماده به‌منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی و در جهت توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محل و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضائی ندارد یا ماهیت قضائی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌شود. بر این اساس شوراهای حل اختلاف در شهرها و روستا مشغول به کار شده‌اند. از ویژگی اصلی این شوراها تسریع در رسیدگی امور پیش آمده‌است (ر.ک. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، قانون برنامه سوم).

در حال حاضر اعضای شورای حل اختلاف به وسیله قوه قضائیه و یک نفر هم به انتخاب افراد محل، شورای شهر یا بخش یا روستای مربوط حسب مورد و یک نفر معتمد محل، توسط هیاتی متشکل از رئیس حوزه قضائی، فرماندار، فرمانده نیروی انتظامی و امام جمعه برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند.

در درون شوراهای حل اختلاف شوراهای تخصصی نیز تشکیل گردید. در این شوراهای تخصصی مسائل متعدد پیش آمده در حوزه‌های خانواده، جرایم راهنمایی و رانندگی، رایانه و اینترنت، موبایل، امور ایثارگران، زندان‌ها، صنعت، مطبوعات و هنرمندان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به هر حال هرچند که این شوراها با مشکلات اجرایی نیز روبرو هستند، اما برخی از اختلافات را در مناطق شهری و روستایی برطرف کرده‌اند. بدیهی است فعالیت آن‌ها به احیای فرهنگ صلح و خودگردانی محلی در جامعه کمک می‌کند. این شوراها در بسیاری مواقع پرونده‌های موبوط به قتل را به صلح کشانده‌اند و از تشدید اختلافات بین افراد جلوگیری کرده‌اند.



د- مرکز حفاظتی - مراقبتی انتظام

با توجه به قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور مبنی بر واگذاری بخش‌هایی از مسئولیت‌های اجرایی به بخش‌های مردمی و خصوصی، نیروی انتظامی در قالب طرح‌ها، بخشی از مسئولیت خود را به بخش خصوصی واگذار کرد. یکی از این طرح‌ها طرح نگهداری محله بوده است که در سال ۱۳۸۱ در قالب شرکت‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی در کشور اجرا گردید. در حال حاضر ۳۱۸ شرکت با ۱۶ هزار نیرو در بخش نگهداری از محلات، سرایدار و شبگرد با مشارکت بخش خصوصی فعال هستند که با توجه به سازماندهی و آموزش آن‌ها اثرات مثبتی در امنیت محله‌ها و شهر داشته‌اند. نکته جالب توجه در این مورد استفاده از زنان نگهدار محله است که کار نگهداری و حفاظت از مراکز خاص چون خوابگاه‌های دانشجویی، پانسیون‌ها، مهدهای کودک و مراکز آموزش خصوصی را بر عهده دارند.

اهداف ایجاد نگهدار محله عبارت بوده‌اند:

- ۱- ساماندهی شبگردها، سرایداران و افرادی که به صورت غیر اصولی به حفاظت از اماکن مسکونی، تجاری و ... مشغولند.
- ۲- گسترش امنیت عمومی در لایه‌های درونی جامعه (کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی، مراکز تجاری و...) با بهره‌گیری از مشارکت مردمی با به‌کارگیری نگهدار محله. براساس آمارهای موجود گفته می‌شود در هر محلی که از نگهدار محله استفاده شده است، میزان جرم تا ۷۰ درصد کاهش یافته و از سرقت‌های خرد، جیب‌بری، کیف‌قاپی و غیره کاسته شده است. مرکز انتظام با ساماندهی و سازماندهی بیش از ۴۲ هزار و ۸۰۲ نفر شبگرد و سرایدار و آموزش دادن آن‌ها، توانسته است بار سنگینی از وظایف قابل واگذاری نیروی انتظامی را کاهش دهد (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۷).
- ه- یکی دیگر از فعالیت‌های حفاظتی و مراقبتی طرح پارکبانی است. طرح پارکبان طرح مشترک شهرداری‌ها و پلیس راهنمایی و رانندگی است. پارکبان‌ها نیروهایی هستند که به منظور روان‌سازی و کنترل ترافیک در سطح شهر فعالیت می‌کنند. ایشان در کنار راهنمایی و رانندگی نظم ترافیکی شهر را کنترل می‌کنند. این افراد در کمبود نیروی پلیس



جای آن‌ها را در خیابان‌های شهر گرفته و با هدایت اتومبیل‌های درون شهری نظم در تردد اتومبیل‌ها را ایجاد می‌کنند. طرح پارکبانی که به نوعی جایگزین پارکومترها شده و در اجرا نیز با ضعف‌هایی مواجه بوده است، نوعی مشارکت در نظم و امنیت از طرف نهادی غیردولتی است. اجرای این طرح به مؤسسات خصوصی واگذار شده است. اما در برخی از شهرها، شهرداری‌ها نیز با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند نقش مهمی در اجرای این طرح داشته‌اند. در تهران ۲ هزار و ۸۸۵ فضای پارک در قلمرو پارکبان‌ها قرار دارد که با اجرایی شدن این طرح در ۱۲ منطقه شناسایی شده، حدود ۸ هزار و ۸۰۰ فضای پارک جدید در این محدوده ایجاد می‌شود و در مجموع با گسترش طرح پارکبان یازده هزار و ۷۰۰ فضای پارک حاشیه‌ای خواهیم داشت (خبرگزاری جوان: ۱۳۸۴/۹/۶).

بدون تردید طرح پارکبان اثرات مثبتی را در نظم ترافیکی شهر برجای می‌گذارد، مهمترین نتایج اجرای این طرح را می‌توان این‌گونه برشمرد: افزایش توانایی پلیس برای کنترل حمل و نقل درون‌شهری، نهادینه‌شدن قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ایجاد نظم در عبور و مرور خودروها، پاکسازی حریم خیابان‌ها از توقف‌های دوبله و سد معبر، افزایش سرعت در عبوردهی و تخلیه به موقع معابر و جلوگیری از اتلاف وقت رانندگان و پرهیز از افزایش بارترافیکی، جلوگیری از تصرف غیرقانونی مالکین و متصدیان اماکن تجاری در تسخیر فضای عمومی معابر، کنترل توقف‌های غیر مجاز در حاشیه معابر پیش‌بینی شده، توزیع عادلانه پارکینگ‌های معابر و ممانعت از توقف‌های طولانی مدت، استفاده از ظرفیت‌های بخش غیردولتی در همکاری پلیس برای تحقق هرچه بیشتر نظم و انضباط ترافیکی.

نظرسنجی‌ها در زمینه اجرای این طرح بیانگر رضایت شهروندان از عملکرد پارکبانان است. بر اساس یافته‌های یک مطالعه، ۸۷ درصد از سؤال‌شوندگان از اجرای طرح پارکبان رضایت داشته‌اند. بر همین مبنا ۷۹ درصد با تداوم و گسترش طرح پارکبان در تمامی معابر موافق بوده‌اند و ۸۹ درصد آن‌ها این طرح را در توزیع عادلانه پارک حاشیه‌ای مؤثر دانسته‌اند. مطالعات دیگر نشان می‌دهد که اجرای طرح پارکبان تا حد زیادی از سرگردانی رانندگانی که همواره در این محدوده به دنبال یافتن فضایی برای پارک



خودروه‌های خود بودند کاسته و ترافیک را روان‌تر ساخته است (خبرگزاری جوان: ۹/۶/۱۳۸۴).

و- سایر فعالیت‌ها

امروزه واگذاری و برون‌سپاری برخی دیگر از فعالیت‌های مرتبط با نظم و امنیت به سازمان‌های خصوصی تجربه مثبتی در کشور بوده است. دو نمونه این امر عبارتند:

۱- اجرای طرح آزمون گواهی‌نامه رانندگی.

۲- واگذاری خدمات مربوط به صدور گذرنامه و خلافی خودروها و ... در قالب دفاتر

پلیس + ۱۰

این دو طرح موفق نوعی مشارکت و همکاری طلبی از سازمان‌های خصوصی در فعالیت‌های نظم و امنیت است که به شهادت مردم، سرعت و دقت فعالیت‌های مربوط به وضوح افزایش یافته است. البته باید در کنار اهداف اقتصادی مترتب بر این طرح‌ها، اهداف فرهنگی نیز در آن‌ها دنبال شود. مشارکت نوعی واگذاری اقتصادی فعالیت‌ها و ایجاد بهره‌وری برای یک سازمان خاص نیست. اگر مشارکت صرفاً با نگاه ابزاری برای کسب درآمد و سریع انجام‌شدن کارها تعریف شود در بلندمدت به ضد خود تبدیل می‌شود. چون برون‌سپاری این گونه‌ای، نوعی بهره‌وری برای سازمان کارفرما و نوعی اشتغال صرف برای سازمان کارگزار است. مشارکت فراتر از این امر می‌رود و نوعی درگیری داوطلبانه اما پرثمر است که حس اعتماد میان طرفین کنش را افزایش می‌دهد و در واقع جدایی میان آن‌ها از بین می‌رود.

بحث و نظر: تنگناها و راه کارها

امروزه در هر سازمانی، اداره یا بخشی تحت عنوان «کمک‌ها یا مشارکت مردمی» تشکیل شده است که سوای صرفه‌های مادی، ارزش‌های معنوی و فرهنگی مانند افزایش حس اعتماد، تعامل مستقیم با مردم را فرآوری می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که مشارکت اگر سابقاً صرفاً یک ضرورت عقلانی بوده است، امروزه به صورت یک ضرورت اخلاقی، انسانی و



عقلانی در آمده است. مشارکت یکی از ارزش‌های مهم انسانی و اخلاقی است که با خود عنصری از مسئولیت‌پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه را حمل می‌کند.

اهتمام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به مقوله مشارکت مردمی نیز، نشان از باور مسئولان این نهاد به اهمیت همکاری و همیاری مردمی در مأموریت‌های پلیسی دارد.

در حوزه نظم و امنیت، طرح‌های مشارکتی در پی فراهم کردن فرصت‌های توسعه برنامه‌ها و فضاهای گفت‌وگویی و فعالیت‌های مردمی در تأمین نظم و امنیت است؛ یعنی مشارکت در برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که با کمک و همفکری خود آنان طرح‌ریزی شده و به وسیله نمایندگان آنها به منزله بخشی از عمل داوطلبانه اداره می‌شود. در چشم اندازی مقدماتی، مشارکت انتظامی و امنیتی، حول سه معنای کلان مطرح می‌شود: نخست زمینه‌سازی حضور آگاهانه و کم‌هزینه مردم در نظام رسمی کنترل اجتماعی - خاصه مأموریت‌های پلیسی - است. دوم آموزش شیوه‌های منطقی و راهگشای همکاری در جهت ارتقای امنیت و چگونگی بهره‌گیری از منابع علمی، فنی و مادی جدید و سوم حرکت در مسیر بازتولید جامعه‌ایی که در آن نظم و امنیت قبل از هر عامل رسمی، به شبکه‌های گروهی و سیستم کنترل‌هنجاری جامعه وابسته است. از این نوع مشارکت انتظامی و امنیتی ثمراتی عاید مردم می‌شود که آرامش و توفیق بیشتر در ارتزاق و تأمین نیازهای اساسی، ایجاد حس اطمینان و اعتماد برای ایجاد تحول در زندگی شخصی و اجتماعی و سوم توانابخشی فردی و افزایش قدرت انتخاب از جمله آنهاست.

اگر بخواهیم به ترتیب بخش‌های انتظامی و امنیتی را که مردم می‌توانند در آنها مشارکت کنند نام ببریم دو بخش را نباید فراموش کنیم.

نخست، بخش فعالیت‌های ایستای قابل واگذاری به بخش غیردولتی یا مردم به گونه‌ای که نیروی انتظامی تقریباً از آنها فارغ می‌شود و فقط به نقش نظارتی اکتفا می‌کند. برخی از فعالیت‌های خدماتی و انتظامی مانند طرح اعطای گواهینامه‌راندگی، پارکبان و غیره از این نوعند.

بخش دوم فعالیت‌ها و طرح‌های مقطعی پویا که هر چند وقت یکبار بنا به ضرورت و شرایط جامعه آغاز و اجرا می‌شوند. این نوع فعالیت‌ها را پلیس با مردم، به‌طور مشارکتی



انجام می‌دهند. طرح ارتقای امنیت اجتماعی، مأموریت‌های ویژه‌ی مقابله با جرایم خاص، نمونه این نوع طرح‌های سیال و مقطعی است. برای انجام فعالیت‌های مذکور به تمهیدات و آموزش‌هایی نیاز است که در زیر به اهم آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- آموزش انتظام مشارکتی (فرهنگ انتظامی)

نظم با مشارکت عمومی تأمین می‌شود نه با دستور و احکام صرف. عدم آگاهی عمومی از خطرات و تهدیدهای ممکن، سبب بروز بسیاری از جرائم و حوادث برای افراد جامعه می‌شود. اگر افراد از پیامد رفتارشان آگاه بوده یا از مسائل مرتبط با زندگی خود مطلع باشند می‌توانند از بسیاری جرائم پیشگیری کنند یا خود در این پیشگیری سهیم باشند. آموزش زمینه‌ای برای ایجاد و ترویج فرهنگ مشارکت در جامعه است. نتیجه آموزش درست و همگانی در زمینه امنیت و نظم در جامعه گسترش و تقویت فرهنگ مشارکت در انتظام و امنیت اجتماعی خواهد بود. بدون فرهنگ انتظامی در هر جامعه‌ای، هزینه‌های امنیت در آن جامعه بالا خواهد رفت. برقراری فرهنگ مدنی مشارکت جویانه در جامعه زمینه‌های حضور مردم را در حوزه‌های مختلف و در عین حال امنیت افزایش می‌دهد. این عمل می‌تواند توسط نیروی انتظامی یا با همکاری سازمان‌ها و نهادهای دیگر - به خصوص رسانه‌ها - انجام گیرد.

پژوهشی در زمینه بررسی اثربخشی آموزش‌های همگانی نیروی انتظامی در پیشگیری از سرقت منازل انجام شده است که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد آموزش‌های همگانی نیروی انتظامی که از طریق رسانه‌ها و ابزارهای اثرگذار دیگر ارائه شده است توانسته است از میزان دستبرد سارقان به منازل شهرکرد بکاهد (رئسی، ۱۳۸۳: ۳۶).

می‌توان به طور مستمر به مردم آموزش داد که وقتی از منزل خارج می‌شوند به شیوه‌های بهتر ایمنی منزل خود بیندیشند؛ اگر اشیای گران‌قیمتی دارند آن را به بانک بسپارند یا اگر خانه خود را ترک می‌کنند مراقبت از آن را به همسایه بسپارند؛ برای عبور از خیابان، حتماً از محل عبور عابر پیاده حرکت کند؛ وقتی سوار ماشین می‌شوند کمربند خود را ببندند.



آموزش همگانی به دنبال مشارکتی کردن امنیت در جامعه است. زیرا تا افراد نسبت به اهمیت برخی از امور آگاهی نداشته باشند انگیزه‌ای برای مشارکت در آن امور نیز نخواهند داشت. اهداف آموزش همگانی در نیروی انتظامی، به شش قسمت کلی به شرح زیر تقسیم شده است: ۱- بالابردن سطح آگاهی اجتماعی و انتظامی افراد جامعه. ۲- پیشگیری از وقوع جرم و کاهش تخلفات. ۳- توسعه امنیت اجتماعی. ۴- تعمیم نظم عمومی و تأمین آسایش فردی و اجتماعی. ۵- مشارکت مردم در جهت تحقق اهداف مأموریتی نیروی انتظامی. ۶- صرفه جویی در منابع نیروی انسانی و تجهیزاتی نیروی انتظامی (واعظی نژاد، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

در این زمینه همکاری وسایل ارتباط جمعی از اهمیت بالایی برخوردار است. مثلاً صدا و سیما می‌تواند با ساخت برنامه‌های متنوع در زمینه‌های مختلف ضمن اطلاع‌رسانی، چگونگی مشارکت در امنیت و نظم جامعه را به افراد آموزش دهد. آموزش و پرورش نیز می‌تواند با برنامه‌ها و سیاست‌های خاص در این آموزش سهیم باشد.

۲- گذر از امنیت پلیسی به امنیت مشارکتی

یکی از مسائل پیش‌روی مشارکت‌امینی مردم، نوع نگرش پلیس به مقوله نظم و امنیت در جامعه است. در ادبیات توسعه دو رویکرد اصلی نسبت به شیوه توسعه با محوریت مردم وجود دارد. در رویکرد اول که توسعه از بالاست، حضور مردم در برنامه‌ریزی و اجرای توسعه کم‌رنگ است. در حقیقت مدیران، خود توسعه را تعریف و برنامه‌ریزی کرده و از طریق بازوهای سازمانی آن را اجرا می‌کنند. در این رویکرد کم و بیش نیازها و اولویت‌های مردم و توده‌ها نادیده گرفته می‌شوند (چمبرز، ۱۳۷۶: فصل ۴ و ۵؛ میسر، ۱۳۶۵: ۷-۳۲؛ کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹).

اما در رویکرد دوم که مسیر توسعه از پایین به بالاست، برنامه‌ریزی و اجرای توسعه، بدون در نظر گرفتن نیازها و اولویت‌های افراد مخاطب برنامه‌ها میسر نیست. در این رویکرد، نیازسنجی برای توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا برنامه‌های توسعه بدون در نظر گرفتن نیازهای مردم به بیراهه خواهد رفت و با شکست روبرو خواهد شد (میسر، ۱۳۶۵؛ چمبرز، ۱۳۷۶).



به منظور استفاده بیشتر از قابلیت‌های مردمی در انتظام جامعه، رویکرد پلیس به مقوله امنیت و نظم، مشارکت جویانه شده است. از این رو امروزه در بحث‌های امنیتی صحبت از ضرورت تعامل بین پلیس، سازمان‌ها غیردولتی و مردم به میان است (Vejnovic & Lalic 2004; Fruumhling 2005) گفته می‌شود که از زمان تشکیل نیروی پلیس تاکنون سه - رویکرد بر آن مسلط بوده است: دوره نخست، پلیس در خدمت حکومت و حاکمان و برای محافظت از آنان به وجود آمده است، این شکل سنتی پلیس است. این نوع پلیس، مختص دوران پیشامدرن است. همزمان که تحولات سیاسی اقتصادی جامعه را با تغییرات زیادی مواجه ساخت، افزایش جمعیت و شهرنشینی مسائل متعددی را برای جامعه به همراه آورد. بر این اساس پلیس برای برخورد با این مسائل، از شکل سنتی خود خارج شده و به شکل - حرفه ای تبدیل شد. بنابراین دوره دوم عملکرد پلیس به دوره پلیس حرفه‌ای و تخصصی موسوم است. به تدریج که جامعه پیچیده تر می‌شد دستگاه پلیس برای تطبیق با شرایط جدید گسترده تر و پیچیده تر می‌شد؛ تا اینکه با تسلط رویکرد مشارکت گرایانه در توسعه در دهه‌های اخیر دستگاه پلیس نیز تحت تأثیر این رویکرد وارد مرحله سوم توسعه خود شد و رویکرد مشارکت گرایانه را سرلوحه کار خود قرار داد. در این دوره مشارکت و قدرت - دهی به مردم و برون‌سپاری فعالیت‌ها به شعار اصلی پلیس تبدیل شد (عبدی ۱۳۸۲؛ Virta 2008) تا جایی که در برخی از موارد پلیس از نظر سازمانی به جای بزرگ‌شدن کوچکتر می‌شود (مورد ژاپن). به عبارت دیگر، با توجه به اهمیت امنیت به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه همه جانبه، پلیس نگرش خود را نسبت به امنیت و نظم در جامعه تغییر داد و بر برون‌سپاری بسیاری از فعالیت‌های خود به جامعه همت گماشته است.

موضوعی که در اینجا از اهمیت بسیار برخوردار است، جهت‌گیری‌های پلیس است. پارادایم مشارکت‌خواهی مستلزم نیروی پلیسی نزدیک و وابسته به مردم و نه منحصرراً سرکوب‌کننده آن‌هاست. در بحث‌های امنیتی، پلیس دیگر خود را جدای از مردم نمی‌بیند، بلکه به دنبال آن است تا با به کار بستن شیوه‌هایی، مردم را در امنیت جامعه با خود همراه کرده و توانایی‌های خود را در این زمینه بالا ببرد.



به نظر می‌رسد در ایران امر انتقال از مرحله پلیس حرفه‌ای به مرحله پلیس مشارکتی با موانعی روبرو بوده است. هر چند که فعالیت‌هایی در این زمینه انجام شده است. راه‌اندازی سامانه ۱۱۰ و ۱۹۷، تأسیس مراکز افکارسنجی بیانگر این است که اولویت‌ها و خواست‌های مردم برای پلیس از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. همچنین برخی از خدمات مانند صدور گواهی‌نامه، گذرنامه، نظام وظیفه نیز به نوعی برون سپاری شده است. به تحقیق، مسائل ساختاری و سازمانی پلیس یکی از موانع جدی مشارکت مردم در امنیت است. زیرا همان‌گونه که فقدان فرهنگ مشارکت مانعی جدی در مشارکت مردم در امنیت و نظم جامعه می‌باشد متولی‌گری امنیت و نظم توسط دستگاه پلیس در جامعه نیز خود مانع پذیرش مردم برای مشارکت انتظامی می‌شود. پلیس می‌تواند بخشی از وظایف امنیتی و انتظامی را به مردم و به بخش خصوصی واگذار کند. تغییر نگرش دستگاه پلیس به اینکه پلیس تنها متولی نظم و امنیت در جامعه نیست بر کمیت و کیفیت وظیفه پلیس می‌افزاید بلکه تأثیرات مثبت آن را بر نظم و امنیت جامعه بیشتر خواهد بود.

۳- جلب اعتماد محلی

محله مکانی مناسب برای تعاملات بین پلیس و مردم است. اجرای برنامه‌های پلیس در مقیاس محلّه آسان‌تر و با کارایی بیشتری انجام می‌گیرد. پلیس با حضور در محلّه به تدریج عضوی از آن شده و از این طریق بر اعتماد و اطمینان به پلیس نیز افزوده می‌شود. عوامل متعددی در اعتماد و اطمینان مردم نسبت به پلیس مؤثر است، اما اطمینان به پلیس به‌طور بارز از طریق احساس کاهش جرم و داشتن تعامل مثبت با پلیس تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در حقیقت اطمینان به پلیس احساس امنیت را افزایش می‌دهد و تعاملات مثبت بین پلیس و ساکنان یک محلّه ترس از جرم (به معنی احساس امنیت از خطر قربانی شدن) را کاهش می‌دهد. علاوه بر اجرای مؤثر قانون، تلاش برای توسعه روابط اجتماعی خوب برای پلیس مهم است. تصورات مثبت از پلیس، اطمینان به توانایی نیروی پلیس جهت اجرای قوانین و جلوگیری از جرائم، همچنین تصور شهروندان از شهرشان را به عنوان مکان امن افزایش می‌دهد. ماموران پلیس تنها مجریان قانون نیستند بلکه آن‌ها به عنوان



آموزش دهندگان به بچه‌ها، رابطان بین شهروندان و دولت و الگوهای رفتاری برای ساکنان محله نیز خدمت می‌کنند. نوع و شکل تعامل بین مأمورین و شهروندان تأثیر مهمی بر اطمینان به پلیس دارد. افزایش تجارب مثبت شهروندان با پلیس محلی نه تنها تصور از پلیس را در محله بهبود می‌بخشد، ترس از جرم را نیز کاهش می‌دهد. شواهد نشان داده است اگر افراد محله اطمینان بیشتری به امنیت خود داشته باشند مشارکت آن‌ها در فعالیتهای امنیتی محله افزایش یافته و سطح اعتماد و سازماندهی در منطقه را بهبود داده و در نهایت مسائل و جرایم را کاهش می‌دهد (Kaariainen, 2007; Nofziger & Williams, 2005; Payan & Gaaney, 2007).

گفته می‌شود عوامل متعددی (چون مدت اقامت در محل، اعتماد به همسایه‌ها، شرکت در امنیت محله و ...) بر احساس امنیت محلی شهروندان تأثیرگذار است (Funk & Etc, 2007). حراست محلی باعث افزایش سرمایه اجتماعی در محلات می‌شود. روابط همیارانه بین پلیس و محلات توانایی ساکنان را برای بهبود جمعی شرایط محله افزایش می‌دهد. توانایی جمعی محلاتی که ساکنان آن‌ها پلیس را در دسترس تر می‌بینند بیشتر است. پلیس با دسترس پذیر ساختن خود برای ساکنان، همبستگی، اعتماد و کارآمدی درون محلات را ایجاد می‌کند. در این شرایط، پلیس به راحتی می‌تواند هم بر مسائل ساختاری و هم بر پیامدهای دخالت‌های غیرقانونی غلبه کند. پلیس می‌تواند با باز کردن کانال‌های ارتباطی، پاسخگوبودن به نگرانی‌های ساکنان و در دسترس قرار دادن خود، کنش جمعی محلات را تقویت کند (Scott, 2002).

بنابراین محله همان گونه که شروع بسیاری از کجروی‌های اجتماعی است، با تعاملات نزدیک بین پلیس و ساکنان، می‌تواند شروعی برای اعتماد متقابل کنترل اجتماعی و امنیت بخشی بیشتر باشد. پلیس محله محور، پلیسی است که حمایت، دانش و اعتماد محله را برای برقراری امنیت در اختیار دارد و این نه تنها سبب موفقیت روزافزون فعالیتهای پلیس می‌شود بلکه آرامش و رونق محله را نیز در پی دارد.



۴- ضرورت تعامل بین سازمانی

امنیت مفهومی پیچیده و مهم است. از نظر موضوعی حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود و از نظر گستره هم در سطوح خرد، میانه و کلان، قابل کاربرد و استفاده می‌باشد. به همین دلیل، بدون همکاری دستگاه‌ها و نهادهای دیگر، دسترسی به امنیت و نظم در جامعه عملی نخواهد بود. نهادهای مختلف نه تنها خود به طور مستقیم می‌توانند در نظم بخشی به جامعه کمک کنند بلکه می‌توانند به طور غیر مستقیم نیز از طریق آموزش در جهت ارتقای فرهنگ مشارکت در جامعه کمک کنند. آموزش و پرورش، صدا و سیما و وسائل ارتباط جمعی و شهرداری‌ها نمونه‌هایی از نهادهایی هستند که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های مستقیم و غیرمستقیم در ارتقای نظم و انضباط اجتماعی به پلیس کمک می‌کنند.

آموزش و پرورش از طریق طرح همیارپلیس برای ارتقای نظم و امنیت با پلیس همکاری کرده‌است. همچنین آموزش و پرورش می‌تواند از طریق تدوین کتب درسی مناسب اطلاعات دانش‌آموزان را در زمینه نظم و امنیت افزایش داده و از راه فرآیند جامعه‌پذیری، فرهنگ مشارکت در جامعه را افزایش دهد.

وسائل ارتباط جمعی به خصوص صدا و سیما به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی جامعه نقش به‌سزایی در همراهی پلیس و ارتقا امنیت جامعه خواهند داشت. انتقال هشدارهای امنیتی - انتظامی از طریق صدا و سیما از نظر زمانی و مکانی بسیار حائز اهمیت دارد. صدا و سیما، نهادهای تربیتی و هنری می‌توانند از طریق ساخت برنامه‌ها و فیلم‌ها در زمینه مشارکت در امنیت فرهنگ‌سازی نماید.

شهرداری‌ها از دیگر سازمان‌هایی هستند که به خصوص در نظم و انضباط شهری می‌توانند همکاری زیادی با پلیس داشته‌باشند. در اغلب کشورهای مختلف شهرداری بستر اصلی مشارکت مردم در نظم و امنیت می‌باشد. شهرداری‌ها امکانات مختلفی را در اختیار دارند که به واسطه برخورداری از آن‌ها می‌توانند به طور مستقیم در افزایش انتظام شهری سهمیم باشند. اجرای طرح پارکبان نمونه‌ای از حضور شهرداری‌ها در انتظام و امنیت شهری است.



۵- جلب همکاری سازمان‌های مردم نهاد

امروزه سازمان‌ها غیردولتی و مردم نهاد^۱ به اشکال مختلف در انتظام و امنیت جامعه (در کنار دولت‌ها) مداخله مثبت می‌کنند. یکی از دلایل حضور این نوع سازمان‌ها به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته، ضعف و ناتوانی دولت‌ها در تأمین امنیت و ایجاد فرصت‌های خلاقیت و نوآوری است. برای مثال این نوع سازمان‌ها در دهه ۱۹۹۰ در کشورهای آفریقایی (حضور ۳۲ سازمان غیر دولتی در ۱۹۹۲ در سومالی)، کشورهای تازه استقلال یافته شوروی و در اواسط این دهه در بوسنی حضور جدی داشته‌اند. این سازمان‌ها بیشتر به دنبال امنیت غیرسیاسی بوده و مفهوم جدیدی از امنیت را توسعه داده‌اند که متفاوت از مفهوم امنیت سنتی (به معنی استفاده از زور و خشونت) است.^۲

سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های مختلفی چون کمک به زنان، گروه‌های قومی، قربانیان خشونت‌های خانگی و عمومی، محیط‌زیست و حوزه‌های سلامت و بهداشت فعالیت می‌کنند. آن‌ها از طریق انتشار اخبار و ارائه اطلاعات قانونی در زمینه حقوق کودکان، حقوق انسانی یا حقوق قانونی دیگر فعالیت می‌کنند. بخش وسیعی از فعالیت سازمان‌های غیردولتی به بخش آموزش قانون، حقوق اجتماعی و تقلیل آسیب‌های اجتماعی معطوف شده است.

با توجه به ظرفیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه امنیت و فعالیت آن‌ها در جهت افزایش قابلیت‌های مقابله با رفتارهای ضداجتماعی باید زمینه برای حضور گسترده‌تر آن‌ها فراهم گردد. تجربه این سازمان‌ها در کشورهای دیگر نشان می‌دهد فعالیت این سازمان‌ها باعث حضور بیشتر مردم در امر امداد، نوع دوستی، صلح و امنیت اجتماعی جامعه شده است. بنابراین می‌توان با مطالعه شیوه‌ها و چگونگی مشارکت این سازمان‌ها در کشورهای مختلف و فراهم کردن زمینه برای شکل‌گیری و حضور این سازمان‌ها در حوزه‌های امنیتی، سطح امنیت جامعه را در حوزه‌های مختلف ارتقاء بخشید.

1. Non Governmental Organization

2. Avant; 2007 : pp 143-146



منابع فارسی

- اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*. ترجمه منصور محمود نجات حسینی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر استراتژیهای امنیت ملی*، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۶). *مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی*. در مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: ناشر معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- چمبرز رابرت. (۱۳۷۶). *توسعه روستایی: اولویت بخشی به فقرا*؛ ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چمبرز، رابرت. (۱۳۷۸). *جابجایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی*، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، گاهنامه روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی، ش ۳ و ۴، سال سوم.
- رئسی و انانی، رضا. (۱۳۸۳). *بررسی اثربخشی آموزش‌های همگانی نیروی انتظامی در پیشگیری از سرقت منازل*، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره سوم.
- عبدی، توحید. (۱۳۸۲). *تبیین جامعه محوری در سازمان پلیس*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول.
- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی مشارکت*، تهران: نشر نزدیک.
- گائوتری، هوئین و دیگران. (۱۳۷۹). *مشارکت در توسعه*، ترجمه هادی غبرایی و داود طباعی، تهران: نشر روش.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). *جامعه شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مک کین لای، آردی و آر لیتل. (۱۳۸۰). *امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میسرا، ب. (۱۳۶۵). *مشارکت مردمی*، ترجمه نشریه جهاد، شماره ۸۹، سال ۶.



واعظی نژاد، جحت الله. (۱۳۷۸). مجموعه مقالات همایش نظم و دانش (۲)، معاونت اجتماعی ناجا.

ویلکن، پیتر. (۱۳۸۱). اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین

- Avant, Deborah (2007) NGO, Corporation and security Transformation in Africa, international Relations, Vol. 21 (2), 143-146 .
- Kelling G (1985) "Order Maintenance, the Quality of Urban Life, and Police: A Line of Argument." in Police Leadership in America: Crisis and Opportunity, edited by W. Geller. New York: Praeger.
- Kelling G (1987) "Acquiring a Taste for Order: The Community and Police." Crime & Delinquency 33 (1): 90-112.
- Bultler R. & Wilson D.C. (1990) Managing Voluntary and Non-Profit Organization , London , Rutledge.
- Cohen J. M. Uphoff N. T. (1977) Rural Development participation : Concept and Measures for, New York , Cronell University.
- Docherty, Iain. R, Goodlad & R, Paddison (2001) Civic culture, community and citizen participation in contrasting neighborhoods. Urban study journal, Vol. 38, no 12.
- Fao (1990) Community Forestry, Participatory Monitoring and Evaluation... ; Bangkok.
- Fruumlhling, H. (2007) the impact of international models of policing in Latin America: The case of community policing, police practice and Research, volume 8. Issue 2.
- Funk, L.M. Diane. E, Allan & Neena chappell. (2007). Testing the relation between involvement and perceived neighborhood safety. A multinomial logit approach, Environment and behavior. Vol. 39. no 3 .
- Hall Antony. (1988). Community participation and development policy: A sociological prespection and development Policy , Edi by Hall and Middgely Manchester University Press .
- Hall, A. and Midgly J. (1988). Development policies: Sociological perspectives ; New York and Manchester, Manchester university Press.
- Harrison & et al. (2001). WWF preliminary comments on public participation in the context of the water framework directive and integrated River Basin management policy ; Manchester university press.
- Hughes, G, Michael Rowe. (2007). Neighborhood policing and community safety: Researching the instabilities of the local governance of crime, disorder and security in contemporary UK , Criminology and Criminal justice, vol. 7
- Hulme D . (1994). " social Development Research and The Third Sector" in Rethinking Social Development . Edi by Booth , Longman .



- International Center for the prevention of Crime (ICPC) .(1995). urban policies and crime prevention, paper presented to de ninth UN congress for the prevention of crime, Cairo
- Kaariainen, Jaha,T .(2007). Trust in the police in European countries ,European society of criminology,Vol. 4,409 -434
- Midgley j.with Hall A. , Ardiman M. and Narin D. (1986) Community participation ,social Development and the state .London, Methuen.
- Mikkelsen B . (1995). Methods for Development Work and Research : A Guide for ...Sage pub.
- Nofziger, S. & L. s. Williams. (2005). Perception of police and safety in a small Town, Police Quarterly, Vol. 8, No. 2, Joun
- Nsibambi, Apolo .(1991). Resistance councils and committees: a case study from Makerere in H. B. Hansen and M. Twaddle, changing Uganda, eastern African studies. Kampala
- Payne,B,K & Randy R. Gainey .(2007). Attitudes About the plaice and Neighborhoods safety in safety in Disadvantage neighborhood: The influence of criminal Victimization and perceptions of a Drug problem, criminal justice Review, volume 32, number 2.
- Potter D . (1996). NGOs and Environmental policies Asia and Africa, London , Frank cases .
- Scott, J,D (2002). Assessing the Relationship between police-community co production and neighborhood- level social capital, Journal of contemporary criminal justice, Vol. 18,no 2
- Shadid and et al .(1982). Access and participation : A theoretical Approach in participation of The poor in Development . Edi by B . Baljart and Buijs University of Leaden .
- Shepherd Andrew .(1998). Sustainable Rural Development; Macmillan press.
- Smith .K.(1989) . Non – Governmental Organization in The Health Field : Collaboration , integration & Contrasting Aims" In Social Science & Medicine vol 29 (3) , pp 395 – 402 .
- Smith B.C.(1998). participation without power: subterfuge or Development ; in Community Development journal ,Vol ,33. No3 , july.
- Terpstra, J .(2008). Police, local government, and citizens as participants in local security networks, Police practice and research, Volume 9, issue 3, July
- The World Bank .(1994). Participation Source book"; Report of the participatory development learning Group.
- Vanderschueren, Franz .(1996). From Violence to justice and security in cities. Environment and urbanization, vol 8, no 1, April
- Vejnovic, D, Velibor, I .(2005). community policing in a changing world: a case study of Bosnia and Herzegovina, Police Practice and Research, volume 6,issue 4
- Virta, Sirpa. (2008) Soft power and public participation in policing, the annual meeting of the American society of Criminology, Royal York, Toronto
- Vourch, C. & M Marcus.(1993). security and democracy, paper for the European forum for urban safty. no 3